

پیشینه تاریخی زنده به گور کردن دختران

۱۶ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۵۹

برخی از مورخین می گویند: پیدایش این رسم غلط به دوره «نعمان بن منذر» پادشاه حیره باز می گردد.

داستان از این قرار است که بنی تمیم مالیات وضع شده را نمی پرداخته نعمان فرمان داد، تا به این قبیله هجوم برند. در نتیجه تعدادی از فرزندان و زنان قبیله، به اسارت رفتند. وقتی روابط حسنه شد، قیس و سران قبیله برای بازپس گرفتن اسیران نزد نعمان رفتند. او به زنان و دختران اسیر خطاب کرده و گفت: هر یک از شما مایل است، آماده حرکت باشد؛ و هر یک از شما میل دارد بماند. دختر قیس بن عاصم در جمع کسانی بود که نزد قبیله خویش نرفت پس از این ماجرا نذر کرد، دخترانش را زنده به گور کند. بدین ترتیب، بیش از ده تن از دخترانش را زنده به گور کرد به جهت رواج این رسم ناصحیح و عادت زشت، آیاتی در مذمت واد نازل شد. ۱

برخی از مورخین، دخترکشی های قیس بن عاصم را در رواج سنت «واد» در میان قبایل مؤثر می دانند. حتی بعضی به اشتباه او را پایه گذار این رسم دانسته اند؛ در حالیکه بنا به گفته یکی از مورخین معاصر این رسم به قبل از زمان قیس بر می گردد؛ چه بسا مربوط به قبل از میلاد باشد. البته جای انکار نیست که در هر اجتماعی کارهای رؤسای قوم، مورد تقلید توده مردم است. ۲

گروهی دیگر از مورخین معتقدند: این پدیده، چون غیر عقلانی، غیر منطقی، و با احساسات و عواطف بشر در تعارض بوده، سابقه چندان طولانی نداشته، و قریب به عصر اسلام پدید آمده است. بعضی از اخبار، این پدیده شوم را به قبیله «ربیع» نسبت می دهند؛ و این که رئیس قبیله ربیع این عادت شوم را میان قبایل رواج داده است. ۳

«میدانی» از قول «هیثم بن عدی» نقل می کند که: این کردار زشت در میان تمامی قبایل عرب رواج داشته، و حدود یک دهم از مردم طوایف مختلف به این پدیده شوم گرفتار بودند. ۴

عده ای نیز معتقدند که این عمل جاهلی تنها در بعضی قبایل رواج داشته؛ و قبایل قیس، تمیم، اُسد، هذیل و بکر بن وائل را از آن جمله دانسته اند. ۵

دیدگاه اخیر معقول تر به نظر می رسد؛ زیرا اگر واد عمومیت داشت، از تعداد زنان کاسته شده و عملاً پدیده تعدد زوجات مطرح

نمی شد و با عنایت به رواج کامل شعر در آن دوران، شعرا نیز باید به این عمل، مباحثات کرده و کسی را که مرتکب چنین عملی نشده، مورد هجو قرار دهند. حال آنکه اشعار بر جای مانده (شعر جاهلی) مُثَبِّت چنین ادعایی نمی باشند.

در عین حال دکتر جواد علی به نقل از کتاب «Brita Enct» می نویسد: «فرزندکشی و واد بنات تنها در بین عرب یافت نمی شود، بلکه در سایر اقوام و ملل نیز این عادت رواج داشته؛ در مصر، یونان، رومانی و قبایل استرالیایی به جهت عوامل متعدد، از جمله عامل دینی (اعتقاد به حلول ارواح) و هم چنین اقتصادی (ترس از فقر)، به این عمل دست می زدند.» ۶

چنانکه ملاحظه شد، به گواهی تاریخ این پدیده شوم به طرز فجیع تری در میان سایر ملت ها رواج داشته است. فنیقیها که طبیعت را پرستش می کردند، و بتی به نام «مولوخ» را «اله نور» دانسته، و بتی به نام «عشتر» (زهره) را شریک و همسرش می دانستند، برای تقرب به «عشتر» زنان را قربانی می کردند؛ و برای تقرب به «مولوخ»، فرزندان خود را در آتش شعله ور زنده زنده می سوزاندند. ۷

یهودیان می توانند فرزندان خود را برای بردگی بفروشند؛ و تورات این حق را برای آنان قائل شده است. حتی پدر می تواند فرزند خود را اعم از صغیر و کبیر به قتل برساند.

اسبراطیون فرزندان ضعیف و مریض خود را می کشتند؛ و آنان را طعام وحوش و پرندگان می کردند. مشابه همین برنامه در روم و یونان رواج داشت. ۸

چینی ها وقتی فرزندشان دچار عوز ۹ می شد، او را به دریا می انداختند. در تاهیتی، والدین فرزند خود را می کشتند؛ بدون آنکه کسی متعرض آنان شود. ۱۰

جایگاه و منزلت زن در نزد رومیان به این صورت بود که آنان سرشت و طبیعت زن را بد می دانستند. و زنان از حقوقی برابر با مردان برخوردار نبودند. و از آن جایی که قوانین اروپائی سخت متأثر از رومیان نخستین است، از این رو قانون انگلیسی تا قرن نوزدهم به مرد اجازه می داد تا زنش را بفروشد؛ و هیچ دخالتی به جز در نرخ گذاریش نداشت. قانون فرانسه تا به امروز نیز عملکرد زن را در امور مالی تابع خواسته شوهرش می داند. ۱۱

به اعتقاد برخی محققان، اعراب پیش از اسلام با زنده به گور کردن بسیاری از فرزندان اناث خود، نفرت خویش را تا سر حدّ نابودی زنان ابراز می کردند. این رسم وحشتناک که در میان قبایل قریش و کنده بسیار رواج داشت، با سخنان آتشین محمد صلی الله علیه و آله تقبیح گردید؛ و همراه با عمل غیرانسانی قربانی کردن کودکان در پای خدایان، (که اعراب همچون اقوام دیگر به آن عمل می کردند)، به موجب مجازاتهای شدید ممنوع گردید. ۱۲

گر چه بعضی زنده به گور کردن دختران را در جاهلیت امر نادری دانسته و معتقدند: این رسم بازمانده رسم قربانی کردن انسان در مذهب شرک است و نشانه تحقیر و تخفیف زن نیست زیرا اعراب جاهلی، الهگان را نیز می پرستیدند.

در میان مشرکین نیز فرزندکشی به دختران محدود نمی شد؛ بلکه گاهی پسران را نیز می کشتند؛ قرآن در این زمینه می فرماید:

وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائُهُمْ لِيَرُدُّوهُمْ وَ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ . (انعام: ۱۳۷)

و این گونه برای بسیاری از مشرکان، بتانشان کشتن فرزندانشان را آراستند، تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتبه سازند؛ و اگر خدا می خواست چنین نمی کردند. پس ایشان را با آن چه به دروغ می سازند رها کن.

آنان نذر می کردند اگر خواسته شان بر آورده شود، یکی از پسران خود را قربانی کنند؛ یا برای تقرب به خدایان و به انگیزه دینی، پسرشان را قربانی می کردند. ۱۳.

در تاریخ آمده است: عبدالمطلب نذر کرد اگر صاحب ده پسر شود، و آنان به سن رشد برسند، به شکرانه این نعمت، یکی از آنان را قربانی کند. وقتی خواسته اش بر آورده شد، قرعه به نام عبدالله افتاد، به عبدالمطلب پیشنهاد شد یکصد شتر عوض عبدالله فدیة دهد. ۱۴.

چنانکه ملاحظه می شود، نص آیه شریفه از فرزندکشی (اعم از دختر و پسر) نهی می کند.

البته کشتن پسر به مراتب در قیاس با زنده به گور کردن دختر کمتر مشاهده شده، زیرا فرزند ذکور نقش مهمی در حیات اقتصادی و اجتماعی پدر خانواده و حتی قبیله اش داشته است زیرا در جنگها شرکت می جسته و اسارتش نیز مایه ننگ نبوده است.

پس می توان گفت این سنت غلط در اکثر اقوام بدوی و قرون وسطایی رواج داشته است و به علل و عوامل مختلف به اشکال گوناگون دختران خود را می کشتند. همانطور که قبلاً اشاره کردیم، چینینان عقیده داشتند که: دختر شدن مولود دلیل عدم رضایت ارواح اجداد از پدر مولود است که بدین وسیله او را تنبیه و جریمه کرده اند. ناگفته نماند که در کتب تاریخی به نمونه هایی هر چند اندک بر می خوریم که بااین پدیده شوم مبارزه کرده اند.

با این همه، یکی از اندیشمندان معتقد است: جاهلیت نخستین عرب، از جاهلیت های یونان و روم به ویژه در مورد اوضاع اجتماعی زن بهتر بوده است. اگر چه شرک به خدا در بین همه این جاهلیت ها بطور یکسان رواج داشته است چنانکه «هبل» معبود دروغین عرب، همان «ایولو» معبود دروغین یونانیان است و هیچ کدام از این دو گروه بهتر از دیگری نیست ولی توجه به زن و حفظ آبرو و

شرف او، از ویژگی های منحصر به فرد عربها بوده است که رومیان و یونانیان قدیم از آن بهره ای نداشته اند.

ماجرای «صعصعۀ بن ناجیه» که اغلب مورخین حکایتش را آورده اند، نمونه دیگری است. وی در حالی که اسلام آورده بود، خدمت رسول صلی الله علیه و آله رسید و گفت: در جاهلیت عملی انجام داده ام؛ آیا به حال من سودی دارد؟ حضرت فرمود: عمل تو چیست؟ جواب داد: روزی دو شتر آبستن از من گم شد؛ بر شتری سوار شده، و به جست و جو پرداختم، از مردی که در کنار خیمه ای نشسته بود از شترانم جويا شدم. از من پرسید: داغ و نشانسان چیست؟ داغ مخصوص قبیلگی خودمان را گفتم. گفت: دو شترت را یافته و اینک نزد من است. درهمین حال پیرزنی از عقب خیمه در آمد؛ آن مرد از او پرسید: چه زائید؟ بدون آنکه منتظر جواب بماند، ادامه داد: اگر پسر باشد که با ما شریک مال و زندگی و وارث ما خواهد شد؛ و اگر دختر باشد، که به خاکش می سپاریم. پیرزن جواب داد: دختر است.

صعصعۀ ادامه داد: ای رسول خدا! نمی دانم چه انقلابی در من پدید آمد که بی اختیار به آن مرد گفتم: آیا این دختر نوزاد را می فروشی؟ گفت: هرگز شنیده ای عرب بچه فروش باشد؟ گفتم: نفروشد؛ بلکه در مقابل احسان و بخششی، او را به من ببخش. گفت: حاضرم به همان دو شتر و شتری که بر آن سواری مبادله کنم. راضی شدم؛ شترها را داده، و دختر را گرفته، و به دایه ای سپردم. از آن پس این روش را ترک نکردم؛ و تا کنون دویست و هشتاد دختر را با بهای هر یک به سه شتر از مرگ نجات دادم. حضرت پاسخ داد: این کار تو بابی از نیکی برایت بوده، و از جانب خداوند نیز اجر خواهی داشت؛ چون به شرف اسلامی نیز توفیق یافتی». ۱۵.

درباره زید بن عمرو بن نفیل نیز گفته شده، ۹۶ مؤوده را نجات داده است. ۱۶.

به گفته مورخین این عادت زشت، به اشکال مختلف صورت می گرفت:

۱. نخست وقتی فرزند دختر به سن شش سالگی می رسید، مرد از همسرش می خواست که لباس پاکیزه بر تنش کند، تا به دیدن خویشان برود؛ اما او را به صحرا برده، در چاهی که قبلاً فراهم کرده بود می انداخت و با خاک، بدنش را می پوشاند.

در سرزمین نیل، دختران را به بهترین آراستنی ها زینت می دادند؛ سپس در آبهای نیل می انداختند؛ هندیان نیز قبل از سوزاندن، دختر را می آراستند؛ شاید فلسفه آراستن دختران، از بقایای عادات مشرکین باشد که قربانیان خود را به بهترین نحو می آراستند. ۱۷.

۲. دیگر این که زن در حین وضع حمل بر بالای چاله ای نشسته، اگر فرزندش دختر بود، در چاله می انداخت؛ و اگر پسر بود، با خوشحالی و رضایت از او مراقبت می کرد. برخی فرزند خود را از بالای کوه پرتاب کرده یا در دریا غرق می کردند و یا ذبح می نمودند.

۳. در برخی موارد هم دختر را با خواری و خفت به سن شبانی رسانده، سپس لباس خشن و پشمینه بر تنش کرده و به دنبال گله می فرستادند. ۱۸

جالب توجه این که: چون مرد «ربّ البيت» بود، آئین جاهلیت مانع فرزندکشی او نمی شد؛ و کسی که مرتکب چنین عملی می شد، هیچگاه قاتل محسوب نشده، و حتی همسرش نیز حق نداشت، او را از این کردار زشت باز دارد؛ زیرا تنها صاحب حق و تصمیم گیرنده، مرد خانواده بود. ۱۹

اشعار و گزارش های تاریخ درباره عکس العمل مادران در مقابل واد فرزندانشان ساکت است؛ اما از جریانات مختلف چنین بر می آید که: مادر مایل به حفظ فرزندش بوده است اما جرأت اعتراض و مقاومت در برابر خواست شوهر (نسبت به نوزادی که ماه ها رنج و سختی پرورشش را تحمل نموده بود)، نداشت.

طبیعی است که مادر با آن همه عاطفه و مهرورزی دل به این قساوت نداده و راضی نبوده که جگرگوشه اش طعمه خاک شود. ۲۰

این یکی از نمونه های تحقیر زن نزد عرب جاهلی است.

۱. بلوغ الأرب، ج ۳، ص ۴۲ و المفصل، ج ۵، ص ۹۰.

۲. المفصل، ج ۵، صص ۹۱ - ۹۲.

۳. بلوغ الأرب فی معرفة احوال العرب، ج ۳، ص ۴۳؛ المفصل، ج ۵، ص ۹۰.

۴. همان.

۵. عزالدین، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، قم، منشورات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، أفست، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۲۴۳.

۶. المفصل، ج ۵، ص ۹۸.

۷. اسعد السحمرانی، المرأة فی التاریخ و الشریعة، ط ۲، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۱۷ ق، ص ۴۴.

۸. علی عبدالواحد وافی، الاسره و المجتمع، ط ۸، القاهرة، دارنهضة مصر، بی تا، ص ۱۱۸.

۹. سوء تغذیه.

۱۰. تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۶۲.

۱۱. محمد غزالی، مسایل زنان بین سنت های کهن و جدید، ترجمه مجید احمدی، ج ۱، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۹ش، صص ۸۰ - ۸۱.

۱۲. روح اسلام، ص ۲۱۲.

۱۳. محمد دروزه عزه، عصرالنبی، ط ۲، بیروت، دارالیقظه العربیه، ۱۹۶۴ م، ص ۲۵۹.

۱۴. بلوغ الارب، ج ۳، ص ۴۴؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۶۷؛ الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۲۱۵.

۱۵. بلوغ الارب، ج ۳، ص ۴۶.

۱۶. همان، ج ۳، ص ۴۵.

۱۷. المرأة فی ظل الاسلام، ص ۱۷.

۱۸. بلوغ الأرب، ج ۳، ص ۴۳؛ محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ط ۱، بیروت، منشورات دارمکتبه الحیاء، ۱۳۰۶ق، المفصل، ج ۵، ص ۸۸.

۱۹. المفصل، ج ۵، ص ۵۲۸.

۲۰. علی الهاشمی، المرأة فی الشعر الجاهلی، بغداد، مطبعة المعارف، ۱۹۶۰م، صص ۳۰۰ - ۳۰۳.

منبع: کتاب زن در تاریخ اندیشه اسلامی. دکتر فتحیه فتاحی زاده

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۸۰۲۲/دختران-کردز-گور-زنده-تاریخ-پیشینه>